



جایگاه اخلاق در مدیریت سیاسی امام خمینی (ره)

ابوالحسن حسین زاده^۱

چکیده

در حالی که برخی از اندیشمندان سیاسی برای اخلاق در مدیریت و سیاست جامعه جایگاهی قائل نیستند و آنهایی هم که قائلند، اخلاق را فقط تعهد به دین یا وجدان می‌دانند، امام (ره) با عنایت جدی به جایگاه رفیع اخلاق در عرصه مدیریت سیاسی کشور و تعهد به عرصه‌های اساسی در حیات آدمی، حوزه‌های سه گانه دین، جامعه (مردم) و نفس را بر اساس شناخت و اعتماد بسیار بالایی به آن پایه‌ریزی کرده و مدیریت حکومتی خویش را بر اساس آن (تکلیف محور، مصلحت‌گرا، مهذب، خودباور و آرامش طلب) طراحی کرده‌اند تا خدمت به این سه حوزه را سرلوحه خود قرار دهند.

کلید واژگان: امام خمینی (ره)، اخلاق، مدیریت سیاسی

مقدمه

با توجه به نزاع و ظهور مکاتب سیاسی از طرفی و انقلابات سیاسی از طرف دیگر به همراه پیشرفت و رشد مادی بشریت، قرن بیستم بستر مناسبی جهت ارائه تئوری‌های مدیریتی اندیشمندان بزرگ فراهم شد و رهبران سیاسی در اداره انقلابها و دولت‌ها با



بهره‌گیری از اصول فکری و عملی خویش و آخرین دستاوردهای دانش مدیریت و امکانات فراهم شده، الگوهای مدیریتی خود را در محک تجربه و آزمون قرار دادند. علی‌رغم استفاده بهینه رهبران و مدیران سیاسی از امکانات مادی و پیشرفتهای موجود، برخی از متفکران، قواعد و هنجارهای اخلاقی را مانع رسیدن به اهداف، منافع و آرمانهای خود دانسته و به هر وسیله‌ای اعم از دروغ، تهمت، نیرنگ، زور، چپاولگری و کشتار، تبعیض، ظلم، بی‌عدالتی، تضییع حقوق مردم و ... تمسک جسته و اخلاق را در زیر چکمه‌های سنگین و بی‌رحمانه سیاست ناپود می‌کنند و عدم توجه به اخلاق در سیره مدیریتی آنان مشهود و ملموس است. انقلاب اسلامی ایران به رهبری داهیانه امام^(ع)، دمیدن روح معنویت و اخلاق در جهان مدیریت سیاسی معاصر فاقد اخلاق بود. ایشان علی‌رغم عدم تحصیل آکادمیک مدیریت، با تسلط اعجاب انگیز بر اصول مدرن و کارآمد و نگرشهای نوین سیستمی و اشکال تجزیه و تحلیل مدیریتی، نشان دادند نه تنها اخلاق مانعی بر سر راه سیاست و اداره کارآمد جامعه نیست، بلکه لازمه یک مدیریت سیاسی عمیق و وسیع است. این تحقیق با بهره‌گیری از منابع دست اول و دوم در حوزه مدیریت و آثار حضرت امام^(ع) به جایگاه اخلاق در مدیریت سیاسی ایشان می‌پردازد.

تعریف مفاهیم

سیاست: سیاست واژه ای عربی از ریشه «سَاسَ یَسُوسُ» به معنی پرداختن به امور مردم بر طبق مصلحت، شأن، حکومت، ریاست، امر، نهی، سزاوار تنبیه و پرورش و پروراندن (ر.ک: فرهنگ لغات) می‌باشد. معادل انگلیسی سیاست (police) از واژه لاتین (politic) به معنای شهر و اجتماع شهروندان ساکن در آن و قانون اساسی می‌باشد. (فلسفه سیاست، ۱۳۷۸، ۱۵)

سیاست در اصطلاح، عبارتست از هر نوع تدبیر، تلاش، فعالیت، تعمق، تفکر و اقدام فردی و جمعی در جهت کسب قدرت و به عهده گرفتن اداره کشور به نحوی که جامعه و افراد آن را در مسیر تحقق آمال و خواسته‌های خویش قرار می‌دهد. (ابوالحمد، ۱۳۶۵، ۱۲) سیاست در این نوشتار، ناظر به مدیریت، تصمیم‌گیری و فرایند تدوین و اجرای خط مشی است که مترادف مدیریت سیاسی و اداره سیاسی جامعه است. (ابوالحمد، ۲۵)

سیاست از دیدگاه امام عبارتست از رهبری جامعه، در جهت مصالح دنیوی و اخروی (صحیفه نور، ج ۱۳، ۳۹۸) و در نتیجه می‌توان گفت در واقع سیاست و مدیریت سیاسی از منظر امام (ره) مترادف یکدیگرند.

اخلاق: واژه اخلاق در لغت جمع (خُلُق) بوده و به مجموعه‌ای از صفات انسانی اطلاق می‌شود که در نفس پایدار می‌باشند. در واقع خُلُق، شامل شکل درونی انسان می‌شود.

درباره تعریف اخلاق، نظریات مختلفی بیان گردیده، لیکن اخلاق در اسلام عبارت است از: مجموعه ملکات نفسانی، صفات و خصایص روحی (سادات، ۱۳۷۲، ۸) و انسان در جوار تربیت اخلاقی، قادر به تهذیب نفس و رشد فکری و قدرت تشخیص خیر و شر است. برخلاف مکاتبی که پشتوانه اخلاق را وجدان معرفی می‌کنند، اسلام علاوه بر وجدان بشری، ایمان الهی را نیز پشتوانه اصیلی برای اخلاقیات می‌داند. (کاظمی، ۱۶۲)

بسیاری از اندیشمندان اسلامی همچون ابن مسکویه، رازی، ابوالحسن عامری، ابن سینا، فارابی و... به وجه اجتماعی و درونی اخلاق توجه جدی دارند.

۱- اخلاق و سیاست: دیدگاه‌ها

به طور کلی دو دیدگاه در خصوص رابطه اخلاق با سیاست عملی وجود دارد: دیدگاه اول اینکه با اصالت دادن به حفظ قدرت سیاسی، اخلاقیات در صحنه عمل کم‌رنگ و گاه حذف می‌شود و آنچه سیاست اقتضا می‌کند عمل می‌شود که متکی بر مصلحت اندیشی خود مختار است. یکی از بزرگترین متفکران و مروجان این دیدگاه، ماکیاولی (۱۴۶۹-۱۵۲۷) اندیشمند مشهور ایتالیایی است (احمدی طباطبایی، صص ۱۱۷-۱۱۶) او می‌گوید: «شهریارانی که کارهای بزرگ و گران از دستشان برآمده آنانی بوده‌اند که راست کرداری را به چیزی نشمرده‌اند و با نیرنگ آدمیان راه بازی گرفته و سرانجام بر آنان که راستی پیشه کرده (و ایمان به قواعد اخلاقی را بنیان کارشان ساخته‌اند) پیروز شده‌اند» (ماکیاولی، ۱۳۷۵، ۱۱۱) شهریار باید به دنبال فضیلتی باشد و فضیلت سیاسی از دیدگاه وی آن سلسله صفاتی است که شهریار حاکم را قادر می‌سازد با اقتدار در مسند قدرت باقی بماند.





این صفات ضرورتاً اخلاقی نیستند و شه‌ریار خردمند آن کسی است که بتواند طبیعت خویش را همگام با زمانه و امور تغییر دهد. (کوئینتن، ۱۳۷۳، ۷۳)

کلیه کسانی را که دیدگاه ماکیاولی را تأیید و عملیاتی می‌کنند باید اصحاب ماکیاولی نامید. اصحاب ماکیاولی دلایلی را برای توجیه دیدگاه خویش تبیین می‌کنند، از جمله:

الف) مسائل اخلاقی از جمله معضلات مدیریتی هستند چون بیانگر تقابل بین عملکرد و بازدهی (کارایی) می‌باشند و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در تضاد با هزینه‌های اجتماعی و عواید مالی قرار می‌گیرد.

ب) با توجه به ترتب پیامدهای گسترده و مدت دار بر بیشتر تصمیمات اخلاقی باید قبل از اخذ تصمیم نهایی آن را به دقت مورد بررسی قرار داد.

ج) تصمیمات اخلاقی، عواقب نامعلوم داشته و حصول نتیجه در هاله‌ای از ابهام و تردید است.

د) تصمیمات اخلاقی غالباً دارای مفاهیم شخصی است که نشانگر دید محدودیتی است که نتایج را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. (هس. مر، ۱۳۷۷، ۲۰-۲۷)

دیدگاه دوم بر پایه اندماج و امتزاج اخلاق و سیاست و نیز اتکاء قدرت سیاسی بر اصول اخلاقی است. این نگرش در اسلام در منابع اصیل دانشمندان بزرگ اسلامی از جمله فارابی، ابن سینا^(۱)، خواجه نصیر، ملاصدرا و امام خمینی مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم^(ص) هدف از بعثت خویش را تکمیل مکارم اخلاق دانسته‌اند. این کلام بیانگر اهمیت اخلاق در شؤون زندگی از جمله سیاست است و در واقع پارادایم حاکم بر کلیه شؤون رفتاری در اسلام با لحاظ مقوله اخلاق قابل ردیابی است. (احمدی طباطبایی، ۱۱۲) قرآن کریم به عنوان بزرگترین منبع اسلام می‌فرماید: «ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ابتداء ذی القربى و ینهى عن الفحشاء و المنکر و البغی». (نحل، ۹۰) حضرت امیرالمؤمنین^(ع) تنها امامی که تجربه عملی حکومت داری را بعد از پیامبر، بیش از ۴ سال داشتند، می‌فرمایند: «ای مردم اگر نبود بد بودن و ناپسند بودن پیمان شکنی و خیانت، هر آینه من زیرکترین مردم می‌بودم ولی پیمان شکنان گنهکارند و گنهکاران نافرمان». (حرعاملی، ۵۲)



ایشان سیاست را وسیله‌ای برای ترویج اخلاق و اجرای احکام الهی دانسته و عملاً طی چند سال حکومت آن را به کار بستند. حضرت امام خمینی^(ره) نیز با الهام از سیره نبوی و علوی، از همان ابتدای ورود به عالم سیاست تا پیمودن مراحل پر فراز و نشیب حیات سیاسی خویش و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، سیاست اخلاقی را به عنوان یک وظیفه مورد توجه قرار داده و عملیاتی نمودند و مدیریت سیاسی خویش را مبتنی بر منظومه اخلاقی منحصر به فردی در جهان امروزی بنا کردند.

حال به جایگاه اخلاق در مدیریت رایج می‌پردازیم

۲- مدیریت: سیستمهای نگرش پنج گانه و اشکال سه گانه

مدیران می‌کوشند تا با طراحی و اعمال یک روش تحلیل پایدار به اداره امور و ساماندهی آن بپردازند.

۲-۱- نگرشهای پنج گانه مدیریت

ال تی هس مر (l. te. hos. mer) معتقد به وجود ۵ نگرش سیستمی درباره مدیریت است:

الف) قانون جاویدان^۱

اعتقاد به قانون ابدی و طبیعی، استخراج استانداردهای اخلاقی از آن مطابق قانون منبعث از طبیعت، دین و فلسفه است. رهبران مذهبی مثل توماس آکوئیناس^۲ چهار شکل از قانون را با عنوان قوانین ازلی و ابدی، طبیعی، الهی و بشری حاکم بر زندگی انسان معرفی می‌کند (شریعت، ۱۳۸۴، ۷۷) نیز فلاسفه هنجاری مثل توماس جفرسون^۳ معتقد است که حقایق این قانون، بدیهی و حقوق آن جدا ناشدنی است و لذا وظایف را به آسانی می‌توان از آن استخراج کرد.

1- external law
2- thomas Aquinas
3- thomas jeferson



ب) تئوری سودمند گرایی^۱، فرجام گرایی^۲

این نگرش به نتایج اعمال افراد تأکید دارد نه نیت آنان. ارزش اخلاقی رفتار را به وسیله نتایج تعیین می‌کند، اگر نفع داشته باشد درست است، اگر بی‌نفع و یا مضر باشد نادرست است. فایده‌گرایی مثل جرمی بنتام^۳ از حامیان این نگرش هستند.

ج) وظیفه‌گرایی^۴ و تئوری آغاز گرایی

ارزش عمل به نیت و انگیزه آن عمل بستگی دارد. نیت و تعهد و خیر خواهی، وفای بعهده، صداقت، امانتداری، حقیقت، اصول اساسی اخلاقند. امانوئل کانت^۵ به بیان دو فرمول در قالب دستور می‌پردازد.

۱- نقش طلایی^۶ عمل به شیوه‌هایی که من از دیگران در شرایط مساوی انتظار

دارم.

۲- رفتار مطابق شأن افراد. نگاه وی به رفتار انسان، اخلاق محور است. (کامپی،

۱۳۷۶، ۳۳)

د) عدالت توزیعی^۷

همه ارزشها و معیارهای اخلاقی براساس تقدم یک ارزش واحد (عدالت) بنا می‌شود. هرکس بایستی در جهت توزیع عادلانه عمل کند که منجر به افزایش و تقویت عزت نفس گردد که امری لازم برای همکاری اجتماعی است جان راولز^۸ از طرفداران این نگرش است.

-
- 1- utilitarianism
 - 2- teleology theory
 - 3- jermy bentham
 - 4- deontological theory
 - 5- immanuel kant
 - 6- golden rule
 - 7- distributive justie
 - 8- john rawls

ه) آزادی فردی^۳

همه باید برای آزادی بیشتر کار کنند چون موجب افزایش تبادل بازاری می‌گردد؛ امری که برای بهره‌وری اجتماعی لازم است می‌شود. آزادی ارزش مقدم بر تمامی ارزشهاست. رابرت نوزیک^۲ مبلغ این نگرش است.

۲-۲- اشکال تجزیه و تحلیل مدیریتی:

در مدیریت، برای تحلیل امور و برای ایجاد توازن بین عملکرد و بازدهی (کارآمدی) سه شکل تجزیه و تحلیل مدیریتی وجود دارد:

۱- تجزیه و تحلیل اقتصادی: کوشش مدیر بر آنست که در آمدها را افزایش و هزینه‌ها را کاهش دهد.

۲- تجزیه و تحلیل قانونی: فعالیت مدیر در جهت حمایت از قانون (تبلور هنجارهای جامعه) است.

۳- تجزیه و تحلیل فلسفی: تلاش مدیر در برقراری هماهنگی با اصول رفتاری و اعتقادی صحیح، مناسب و عاقلانه بوده و تصمیم‌گیری‌ها را بر اساس وظیفه‌گرایی و به وسیله روش استدلال اخلاقی^۳ قرار می‌دهد. فرد از این منظر، کار خود را با اصول شروع کرده و به وظایف ختم می‌کند.

۳- امام و مدیریت

حضرت امام^(ع) علی‌رغم اینکه به لحاظ آکادمیک، تحصیلات مدیریتی و رفتار سازمانی نداشتند ولی اندیشه و عمل ایشان منطبق بر نظریات دانشمندان مدیریت (رضائیان، ۱۳۸۳، ۹) می‌باشد لذا عنایت به جایگاه ایشان در مدیریت و علوم رفتاری باید با تأمل و تعمق لازم همراه باشد.

همان طور که در تبیین نگرشها و روشهای سیستمی مدیریت ذکر شد، امام^(ع) در درجه اول یک وظیفه‌گرا است که با الهام از قانون جاویدان، در پی تحقق عدالت توزیعی



1- individual freedom
2- robert nozick
3- moral reasoning



و آزادی فردی است ولی علیرغم اینکه توجه به سوداگری به عنوان یک اصل عقلایی مورد قبول امام بوده ولی جایگاه مبنایی ندارد و سوداگری را در حوزه وسیع‌تری نسبت به نگرش جرمی بنام می‌نگرد. سوداگرایی مادی در کنار سوداگرایی معنوی ارزش دارد و گر نه هیچ ارزشی نداشته بلکه ضد ارزش محسوب می‌شود. در خصوص عدالت نیز دیدگاه امام منبعث از دیدگاه قرآن و امیرالمؤمنین^(ع) است که همه جانبه، چند بعدی و همگرا است (مولانا، ۲۲۰) ولی ابعاد عدالت جان راولز با آزادی‌های اصلی مانند آزادی فکر، اندیشه، وجدان و... مربوط می‌شود و هدف وادار کردن مردم به شناخت جایگاه اخلاقی خود در جامعه است. (همان، ۲۱۷) و البته آزادی فردی مورد نظر امام به آزادی از قید نفس و بندگی ماسوی الله بر می‌گردد که اساساً با آزادی فردی رابرت نوزیک متفاوت است.

در میان تجزیه و تحلیل‌های سه گانه نیز امام، تجزیه و تحلیل اقتصادی و قانونی را لازم اما غی کافی می‌داند لیکن کافی نیست و تجزیه و تحلیل فلسفی با رویکرد هنجار گرایانه، اساس تجزیه و تحلیل مدیریتی او را تشکیل داده است.

۴- انواع مدیریت سیاسی امام^(ه)

در حیات سیاسی امام^(ه)، سه نوع مدیریت ویژه قابل تبیین است که بنا به شرایط و مقتضیات از سوی ایشان اعمال می‌شد:

۱- مدیریت مبارزه: این نوع مدیریت معطوف به انقلابی گری است که حول سه محور ایمان، اتحاد و ایدئولوژی، با رهبری و مدیریت امام در یک پروسه زمانی از آغاز حیات سیاسی او شروع شد. مدیریت بر نفس، اولین مرحله ای بود که امام آن را به عنوان اولین اصل مدیریت انتخاب کرده بودند. در مرحله دوم امام، رهبری و هدایت نیروهای انقلابی راعهده دار شدند. (از ۱۵ خرداد ۴۲ تا ۱۳ آبان ۴۳) وقتی رژیم پهلوی پی به وجود رهبری اثر بخش و بی بدیل امام برد تصمیم به تبعید ایشان گرفت با این وجود امام مدیریت و هدایت مردم مبارز را از طرق مختلف ادامه دادند که مهمترین آن، تبیین ایدئولوژی حکومت اسلامی و ولایت فقیه در قالب درس‌های حکومت اسلامی به عنوان الگوی جانشین بعد از فروپاشی رژیم طاغوت بود. (از ۱۳ آبان ۴۳ تا یک آبان ۵۶) با اعلام فضای باز



سیاسی جهانی و تحولات اجتماعی در ایران که منجر به تشدید مبارزات انقلابیون گردید امام مبارزات را رهبری می‌کردند. (تا سال ۵۷)

۲- مدیریت بحران: با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷، دشمنان داخلی و خارجی از یک سو در جهت خاموش کردن و کاستن شتاب پیشرفت انقلاب، با بهره‌گیری از امکانات نرم افزاری و سخت افزاری، با ایجاد ناامنی، آشوب، کودتا، تفرقه افکنی در صف انقلابیون اعم از حاکمان، مردم و گروه‌های مبارز، تحریم اقتصادی، حمله نظامی، عملیات روانی و ... بحران آفرینی نموده و از سویی دیگر اختلاف سلیق و گرایش‌های جریان‌های انقلابی منجر به بروز شرایط دفعی فقدان تصمیم‌گیری گردیده و به شکل گیری بحران‌های تهدید آمیزی را در پی داشته است؛ امام با هوشمندی و اعتماد به نفس و با استعانت از قدرت بی‌منت‌های الهی و با پشتیبانی مردم متدین موفق به اداره این بحران‌ها گردیدند.

۳- مدیریت راهبردی: امام بر اساس جهان بینی اسلامی به انقلاب می‌نگریستند و آن را محدود و محصور در مرزهای ایران نمی‌دانستند و در جهت احیای امت اسلامی (جامعه سازی) و ساختن حکومت الگو و ام القری (دولت سازی) برای جهان اسلام و سایر کشورهای آزادیخواه و مستضعف از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. تأسیس نهادهای انقلابی جهت تقویت انتظام، وفاق، امنیت، اقتدار ملی و معنوی، رفاه اقتصادی، رشد علمی و صنعتی و... از یکسو و اصلاح نهادهایی مثل صدا و سیما، دانشگاه، رسانه‌های گروهی، مطبوعات، ارتش، نیروی انتظامی و... جهت ساماندهی اجتماعی فرهنگی و... از سوی دیگر از جمله چنین اقداماتی است.

مدیریت مبارزه دوران قبل از انقلاب را شامل می‌شود و دو گونه دیگر به دوران حکومتداری امام بعد از انقلاب اسلامی بر می‌گردد.

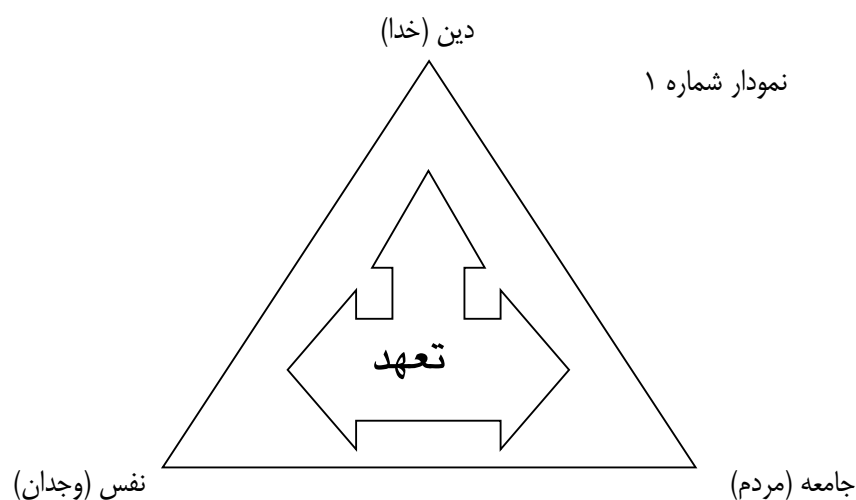
۵- منشور اخلاقی امام در مدیریت

در بین معتقدین به جایگاه مثبت اخلاق در عالم سیاست برخی اخلاق را بازتاب شعور دینی و التزام به هنجارهای ارزشی که از سوی دین تجویز شده دانسته‌اند. برخی اخلاق را



بازتاب شعور اجتماعی دانسته و درک و تعریف آن را به صورت اصولی و معیار بندی شده در اجتماع میسر می‌دانند. اخلاق فردی نزد ایشان جایگاهی ندارد چرا که انسان در اثر تعامل با دیگران است که به مصداق یابی در ارزش گذاری معیارهای اخلاقی می‌پردازد. گروهی دیگر، اخلاق را امری فردی و بر مبنای وجدان، توجیه و تعریف می‌کنند (کاظمی، ۱۳۷۶، ۳۷-۳۴) گروه اول را الهیون، دومین گروه را اجتماعيون و گروه آخر را وجدانيون می‌نامیم.

برخی امام را در گروه اول قرار می‌دهند و نظریه اخلاقی سیاست امام را از آن منظر بررسی و توجیه می‌کنند که البته تلقی درستی بوده و قابل انکار نیست لیکن نباید ابعاد دیگری که امام علاوه بر دیگر دیدگاه‌های الهیون مورد توجه قرار دادند مغفول واقع شود لذا نگارنده معتقد است جایگاه اخلاق در نظر و عمل سیاسی امام فقط محدود به تعهد دینی نمی‌شود بلکه تعهد به جامعه و مردم و تعهد به نفس و وجدان را نیز باید به آن اضافه نمود (جلوه اخلاق امام با مثلث تعهد)

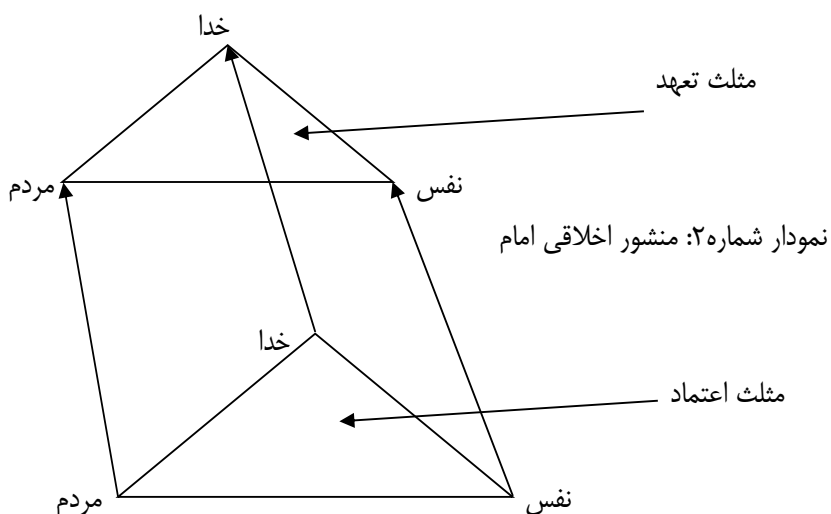




توضیح نمودار: چنانچه از نمودار بر می آید شکل گیری منشور اخلاقی امام (ره)، ترکیبی و مبتنی بر اعتماد و تعهد سه گانه است و بر اساس سه نوع رابطه شکل می گیرد که از حیث فلسفی نسبت به دیگر الگوهای اخلاقی پیچیده تر و کاملتر است. این امر منجر به بروز سه رویکرد اساسی در مدیریت امام گردیده است که به آن اشاره خواهد شد. البته این تعهد ناشی از اعتماد ایشان به خدا، به نفس و به مردم و بیانگر قاعده حسن ظن به عنوان یک اصل اخلاقی مؤکد در اسلام است.

در واقع منشور اخلاقی امام با مثلث اعتماد پایه گذاری می شود.

نمودار شماره ۲



۶- تبلور تعهد در نگرش امام (ره)

تعهد امام به حوزه های سه گانه دین، جامعه و نفس، منجر به شکل گیری یک مثلث اساسی در نگرش امام می شود. ثمره تعهد به دین، تکلیف گرایی است و تعهد به جامعه، نظریه مصلحت را شکل می دهد و تعهد به نفس منجر به آرامش روحی و روانی امام می گردد.



۶-۱- تکلیف گرایی:

حضرت امام^(ع) با الهام از آموزه‌های قرآنی که هدف بعثت انبیاء را برقراری عدالت می‌داند، سیاست را وسیله‌ای برای رسیدن به عدل به حساب می‌آورد. «عهد دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست بلکه وسیله انجام وظیفه اجرای احکام و برقراری نظام اسلام است». (خمینی^(ع)، ۱۳۷۹، ۴۴)

در جایی دیگر در یک موضع گیری تاریخی می‌فرمایند «ما مأمور به انجام وظیفه و تکلیفیم نه حصول نتیجه». (کلمات قصار، ۱۳۷۴، ۵۰)

امام^(ع) با تأثیر از نهضت سید الشهداء^(ع) تأکید داشتند: «سیدالشهداء^(ع) و اصحاب او آموختند تکلیف را؛ فداکاری در میدان و تبلیغ در خارج میدان». (صحیفه، ۱۷، ۵۹)

امام استراتژی مدیریتی خویش را با الهام از تکلیف‌گرایی قرآن و سید الشهداء^(ع) اتخاذ کرده و توجیه قواعد عرفی «نادرستی مبارزه اقلیت در برابر اکثریت» را به شدت رد می‌کردند. سیاست‌مداری از نظر امام یک شغل نبوده بلکه یک وظیفه است. (سادات نقوی، سایت امام خمینی^(ع))

۶-۲- آرامش روحی:

حضرت امام^(ع) با نیروی الهی اعتماد به نفسی که داشتند در موضع گیری‌های خویش در برابر بحرانی‌ترین حوادث و شرایط، خونسردی و آرامش خود را حفظ کرده که در پاره‌ای مواقع اسباب شگفتی می‌شد.

وقتی خبر شهادت حاج آقا مصطفی^(ع) (فرزند ارشد امام که خیلی محبوب ایشان بودند) را به ایشان رسید، امام در پیامی به ملت ایران فرمودند: «این‌طور قضایا مهم نیست. خیلی پیش می‌آید. برای همه مردم پیش می‌آید... یک الطاف خفیه‌ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم...». (صحیفه، ۱، ۲۵۵) ایشان حتی در مراسم تشییع و خاک‌سپاری هم شرکت نکردند و شب هنگام پس از زیارت حرم مطهر حضرت علی^(ع) بر سر مزار فرزندش رفته و با چهره‌ای باز و آرام نخست برای یکایک عالمان مدفون در آن مقبره، اعلام قرائت فاتحه کردند و در پایان از حاضران خواستند برای مصطفایش طلب مغفرت کنند و در حالی که همه چشمها گریان بود، در پایان بدون کوچکترین آزرده‌گی و گرفتگی از حاضران تشکر و از آنجا بیرون رفتند. (روزها و رویدادها، ۳، ۱۳۷۷، ۴-۱۲۳)



امام در شب کودتای نوژه مورخه ۱۳۵۹/۴/۱۹، علی‌رغم اطلاع از آن و اینکه ممکن است محل سکونتش بمباران شود، منزل خود را ترک نمی‌کند و این خبر نه تنها هیچ تأثیری در زندگی روز مره‌اش نمی‌گذارد بلکه او را در تصمیم بر ادامه راه جدی‌تر و مستحکم‌تر می‌کند. (گونه شناسی بحرانها، ۱۳۸۱، ۱۰۵)

امام پس از قریب یک قرن عمر پر برکت خویش در وصیت نامه الهی سیاسی خویش تصریح می‌کند: «با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت شما خواهان و برادران مرخص و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم».

۳-۶- جایگاه مصلحت اندیشی:

یکی از ابتکارات حضرت امام^(ع) طرح مقوله مصلحت است که بر مبنای فقه پویای جواهری ارائه و منجر به ارائه الگوی حکومتی جمهوری اسلامی شد (افتخاری، ۱۳۸۴، ۴۱-۹) و این امر بر اساس اخلاق و تعهد به مردم، منجر به انجام برخی از رفتارهای سیاسی امام با توجه به مصلحت بود.

امام در خصوص اهمیت مصلحت فرمودند: «مصلحت نظام و مردم از امور مهمه‌ای است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام یا برهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سؤال برد». جایگاه مصلحت به قدری مهم است که حاکم اسلامی می‌تواند قراردادهای شرعی که خود با مردم بسته است را در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند. تصریح کلام امام^(ع) و اقدام عملی ایشان در ارتباط با مسأله حج حکایت از آن دارد که اولویت مصلحت از معنا و محتوای نظریه ولایت فقیه، امری پذیرفته شده می‌باشد. (افتخاری، ۱۳۸۳، ۱۶) تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در اواخر بهمن ۱۳۶۶ با فرمان ایشان و تأکید بر اینکه غفلت از مصلحت گاهی موجب شکست اسلام عزیز می‌گردد صورت گرفت. (صحیفه، ج ۲۰، ۱۷۶)

۷- استراتژی مدیریت مبارزاتی امام

امام^(ع) در رهبری انقلاب تا ۲۲ بهمن ۵۷، چهار دوره را پشت سر گذاشتند:



۱- فرد سازی (از ابتدا تا ۱۶ مهر ۱۳۴۱)

۲- رهبری سیاسی مذهبی (از ۱۶ مهر ۴۱ تا ۱۳ آبان ۴۳)

۳- رهبری در تبعید (از ۱۳ آبان ۴۳ تا ۱ آبان ۵۶)

۴- فرماندهی مبارزات (از ۱ آبان ۵۶ تا پیروزی انقلاب ۵۷)

طی این چهار دوره، امام با اتخاذ دو استراتژی تعلیم و تبلیغ و مبارزه منفی، هدایت گروه‌های انقلابی را به دست گرفتند و ضمن مخالفت با استراتژی پارلمانی که توسط برخی گروه‌ها تجویز می‌شد، به مبارزه مسلحانه نیز اعتقادی نداشتند.

استراتژی پارلمانی که استراتژی اصلی نهضت آزادی علیه رژیم شاه بود در دیدگاه امام جایی نداشت چرا که مبارزه را در آن دوران مشکل می‌نمود. قبول این گونه مبارزه مستلزم به رسمیت شناختن رژیم و قانون اساسی بود که برابر بود با زیر پا گذاشتن تعهد نسبت به دین و جامعه دیندار و حتی نفس مهذب، وقتی حکومت هیچ تعهدی نسبت به دین و مردم ندارد چطور امام آن حکومت را به رسمیت بشناسد «هَلْ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری، ۳۰)

حضرت امام^(ه) شجاعانه، در برابر این استراتژی ایستاد و در نامه‌ای به اتحادیه دانشجویان در تاریخ ۵۶/۱۱/۲۴ تصریح کردند: «... و جداً از خواستهایی که لازمه‌اش تأیید رژیم پهلوی است اجتناب کنید». (صحیفه نور، ۱، ۴۶)

غیر اخلاقی بودن و ناکارآمدی این استراتژی دلیل مخالفت امام با آن بود:
۱- تقلب گسترده انتخاباتی که بیانگر نادیده گرفتن حقوق و آزادی مردم و برگزاری انتخابات فرمایشی بود.

۲- فقدان تشکیلات سیاسی مردمی و آزاد: تنها احزابی که قدرت داشتند، احزاب دست پرورده رژیم مثل حزب ملیون و حزب مردم بودند و در سال ۱۳۵۳ با انحلال احزاب، حزب واحد رستاخیز روی کار آمد.

۳- بی‌توجهی به آراء و حقوق مردم: طبق اصل ۴۸ قانون اساسی، شاه می‌توانست هر یک از مجلسین شورای ملی و سنا یا هر دو را در آن واحد، منحل کند. (خسروی، ۱۳۷۹، ۲۳۰)



در خصوص استراتژی مسلحانه، امام مخالفت علنی و جدی نکردند چون نمی‌خواستند گروه‌هایی مثل سازمان مجاهدین خلق و چریک‌های فدایی خلق را از همان ابتدا طرد کنند و مهلت دادند تا با اصلاح انحرافات خویش در صف انقلابیون باقی بمانند چرا که مدیریت امام^(۵) مبتنی بر استفاده از هرگونه ظرفیت برای وحدت و همبستگی مردم بوده و تعهد امام به مردم مانع از هرگونه تدبیر مغایر آن بود. از طرفی با توجه به اقتضای شرایط داخلی و خارجی، احتمال تلفات گسترده و اعتقاد به سیاست پیروزی خون بر شمشیر، اعتقادی به مبارزه مسلحانه نداشتند. (همان، ۲۸۲) و با هوشمندی می‌دانستند رویارویی ملت مسلح، منجر به تقویت دشمنی بین ارتش و ملت شده و دیگر نمی‌شود در قلوب ارتشیان نفوذ کرد و مشاهده شد که امام با برادر خواندن ارتش برای ملت، از آنان خواست تا در کنار ملت قرار گیرند. (همان، ۷۱) تز مردمی بودن ارتش در زمان انقلاب یکی از بهترین تدابیر امام بود که با تاکتیک اهداء گل در برابر گلوله به ثمر نشست. (صدر، سایت امام خمینی^(۵))

مهمترین استراتژی امام تعلیم و تبلیغ است: «تبلیغات و تعلیمات دو فعالیت مهم و اساسی ماست. وظیفه فقهاء است که عقاید و احکام و نظامات اسلام را تبلیغ کنند و به مردم تعلیم دهند تا زمینه برای اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام در جامعه فراهم شود». (خمینی، ۱۳۷۹، ۱۲۰) ایشان تمامی اجتماعات مسلمین را در خدمت تبلیغات و تعلیمات به منظور تقویت عواطف برادری و همکاری، راه حل پیدا نمودن برای مشکلات جاری، جهاد و کوشش دسته جمعی می‌خواستند (همان، ۲-۱۳۱)

۷-۱- رویکرد اخلاقی امام در استراتژی تعلیم و تبلیغ

رویکردهای اخلاقی امام در استراتژی تعلیم و تبلیغ ریشه در تعهد به دین، ملت و نفس دارد:

۷-۱-۱- تعهد به دین:

امام^(۵) با شناخت کامل و جامعی که از دین داشتند به صورت تئوری و عملیاتی به مخالفت جدی با تز جدایی دین از سیاست پرداختند. درسهای امام در خصوص حکومت اسلامی در نجف (۴۸/۱۱/۱) تا ۴۸/۱۱/۲۰ (ش) و تلاش عملی ایشان در مبارزه با رژیم طاغوت که ضد دین بود مؤید این ادعا است. ایشان با اعتقاد به قاعده تدریج در عمل، مبارزه را با



نوشتن کتاب کشف الاسرار آغاز کردند و در آنجا تصریح کردند که «جز سلطنت خدایی، همه سلطنتها خلاف مصلحت مردم است. جز قانون خدایی، همه قوانین باطل و بیهوده است». (کشف الاسرار، بی تا، ۱۸۶) سپس با موعظه و نصیحت، فرستادن نماینده به دربار، تهدید و در نهایت مخالفت جدی با سلطنت، اصل تبلیغی مبارزه را که قاعده تدریج باشد را حفظ کرد و بر انجام ادای تکلیف تأکید داشتند.

۷-۱-۲- تعهد به جامعه:

حضرت امام (ره) به نیروی مردم، اعتماد عجیبی داشتند؛ شهید مطهری (ره) در ایاره که فرمودند: «من با رهبران بزرگ دنیا اعم از مذهبی، غیر مذهبی و ضد مذهبی آشنا هستم، هیچکدام به اندازه امام به مردم معتقد نبودند». (صدر، پیشین) امام به پاکی و خلوص مردم ایران و جهان اعتقاد داشتند و آنان را دارای فطرت پاک انسانی می دانستند و خلاف شاه که لبخند به خارج و اخم به مردم داشت، ایشان لبخند به مردم و اخم به خارج (قلدر و مستکبر) داشتند. امام، مردم را جانشین خدا در زمین و آنان را خانواده باریتعالی می دانستند. ایشان اعتقاد داشتند مردم پاک و فداکار بوده و برای انجام هر کار مثبتی آمادگی دارند. مردم ایران را با یاران نزدیک پیامبر و ائمه اطهار (ع) مقایسه نموده و بر مردم زمان صدر اسلام ترجیح می دادند. ایشان می فرمودند: «اینها آقای ما هستند، اینها به ما منت دارند» (صحیفه، ج ۱۸، ۱۵۹) و «من دست اینها را می بوسم». (صحیفه، ج ۱۰، ۲۱۹)

مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: [امام] در سختترین مراحل به مردم اطمینان فراوان داشتند. در یکی از پیامهای خود به مردم فرمودند: «من شما را خوب می شناسم، شما هم من را خوب می شناسید». (خسروی، ۱۳۷) امام در جواب طرفداران سیاست گام به گام که مبارزه با استبداد و استعمار را توأمان ناممکن می دانستند، می نویسد: «من با شاه با یک قلم و چند صفحه کاغذ مبارزه می کنم و اگر یک وقت محتاج به کمکی باشم ملت من به من کمک خواهد کرد». (سلطانی، ۱۳۶۲، ۹۷) این اعتقاد و اعتماد به مردم پشتوانه تعهد امام به مردم بود.

حضرت امام^(ع) بر اثر تهذیب نفس و خودباوری و اعتماد به نفس، به مراتب بالای آرامش رسیده بودند. تصمیم‌گیری‌های امام ناشی از نگرش اعتقاد به وجود رابطه مستحکم بین بینشها و گرایشها است که بر اساس آن ریشه تمام معضلات بشر فقط در مسائل اجتماعی نیست بلکه عامل اساسی، عدم تهذیب و تزکیه و فقدان گرایشات معنوی است. (عیوضی، سایت امام خمینی) لذا با اساس خواندن روح و نفس انسان، خاستگاه تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای انسان به آن برمی‌گردد. پس باید به نفس و روح توجه کرد و آن را پرورش داد و تقویت نمود و با طی سیر مراتب عرفانی نفس به نفس مطمئنه رسید که قادر به خالقیت و تحول آفرینی و امور «کُنْ فیکون» است. لذا امام نظریه انقلاب درونی را مطرح می‌کنند که انسان دارای روحی است و جسمی، که انسان به روح انسان است نه جسم؛ لبّ انسان، روح انسان است. (صحیفه، ج ۵، ۱۱۴)

شجاعت، صراحت، صلابت، عدم ذلت پذیری و عزت نفس بالا از ثمرات اعتماد به نفس امام بود که تاریخ مبارزات امت مسلمان قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، در هر لحظه و هر صحنه آنها را به تصویر می‌کشد.

وقتی دکتر امینی، نخست وزیر وقت، قرار بود خدمت امام^(ع) در قم برسد، امام با اکراه پذیرفتند. اما با رسیدن امینی سریع اتاق را ترک کرده و به اندرونی رفتند. امینی و اطرافیانش آمدند و منتظر ماندند، امام که آمدند همه به احترام امام بلند شدند و پس از نشستن، امام شروع به نصیحت و انتقاد از امینی کردند. امام در این برخورد، دو درس دادند: ۱- از طرفی نمی‌توانستند حضور داشته باشند و احترام نگذارند به مهمان، که حمل بر بی‌ادبی و عدم رعایت شوون معاشرتی شود. ۲- از طرفی نمی‌توانستند احترام بگذارند که تأیید نظام ظالمانه شاهنشاهی باشد، لذا غایب شدند و ضمن نشان دادن عزت یک مسلمان و اسلام، اعتراض خود را با نصیحت و نقادی به رژیم ظلم و ستم اعلام نمودند. (فرامرز قراملکی، ۸۳)

امام هرگز تن به سازش و ذلت در برابر اجانبی که که متکبران و قلدرانه در پی ربودن منابع معنوی و مادی ملت ایران بودند نمی‌داد و می‌فرمودند: «ما بایدسالهای طولانی زحمت و مشقت بکشیم یا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و



روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم، اگر این مهم را انجام دادیم مطمئن باشید که هیچ قدرتی نمی‌تواند به ما ضرر بزند» (صحیفه، ۱۵، ۱۹۲) در جای دیگر تأکید کردند: «اطمینان داشته باشید اگر بخواهید می‌شود، اگر بیدار شوید می‌خواهید، شما بیدار شوید و بفهمید ... غریبها از ما بالاتر نیستند». (صحیفه، ۱۳، ۲۸۶)

امام^(ع) اعتماد به نفس خویش را با کلام نافذ خویش به مردم تلقین می‌کردند و آنان را صبور و با شهامت می‌نمودند. نشریه تایمز لندن می‌نویسد: «خمینی مردی بود که توده‌ها را با کلام خویش مسحور می‌کرد. وی به زبان مردم عادی سخن می‌گفت و به طرفداران فقیر و محروم، اعتماد به نفس می‌بخشید. این احساس آنها را قادر می‌ساخت تا هر کسی را که سر راهشان بایستد، با مشت از بین ببرند. وی به مردم نشان داد که حتی می‌توان در برابر قدرتهایی مثل آمریکا ایستاد و نهراسید». (خسروی، ۳۱۴) امام با القای امید و نوید پیروزی به ملت برای تقویت روحیه فرمودند: «من به شما و آقایان محترم و به ملت ایران، اطمینان می‌دهم که دستگاه با شکست مواجه خواهد شد. (همان، ۳۱۱)

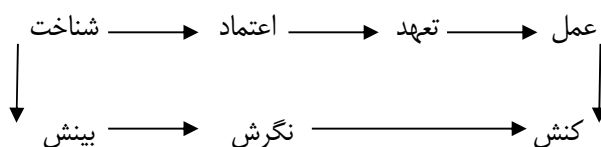
۷-۲- مدیریت امام^(ع) بعد از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی، و استقرار نظام جمهوری اسلامی، امام با دو نوع مدیریت بحران و مدیریت راهبردی به حل و فصل مشکلات و چالشها و اداره جامعه اسلامی پرداختند. ایشان ریشه مشکلات جوامع را فقدان تهذیب و تزکیه می‌دانستند و تصریح کردند که اکثر مشکلات جامعه از آخوندهای نامهذب، دانشمندان سازنده سلاح مخرب و دانشمندانی است که توسط بیگانگان تطمیع می‌شوند. دانش و علم بدون اخلاق را مضر به حال بشریت می‌دانستند و تأکید می‌کردند که اگر علم در خدمت قدرت و امیال (شهوت، شهوت، طمع ورزی و ...) قرار گیرد، سقوط و تباهی جامعه را به همراه خواهد داشت. اگر سیاست‌مداری بر طریق اخلاق نباشد، او چاقوکش از کار در می‌آید. (صحیفه، ج ۱۸، ۱۷۵)

۷-۲-۱- تعهد به دین

تصمیمات امام، ترجمان آیات و روایات و سنت پیامبر و ائمه بوده که پس از نزدیک یک قرن تعلیم و تعلم و تزکیه و تهذیب و فراگیری و تدریس شاخه‌های مختلف اعم از فلسفه،

عرفان، فقه، اصول، اخلاق و... تحقق یافته بود. (عیوضی، پیشین) و همه حوزه‌ها برای کسب معرفت دینی نزدیک به هم در تحقق شخصیت جامع امام، مؤثر و شکل دهنده بودند و سیر مراحل شکل‌گیری عمل امام مبتنی بر آن بوده است.



دیدگاه‌های امام در حوزه‌های مختلف تأثیر داشتند. مثلاً تأثیر عرفان در مدیریت امام به این نحو بود که ایشان در قدم اول، بهبود وضعیت مسلمین را یقظه و بیداری می‌دانستند. (صحیفه، ۱۸، ۱۷۵)

امام از همان بدو ورود و تشکیل دولت موقت، اسلام را خط قرمز قرار داده و تصمیم‌گیری‌های خویش را بر مبنای آن قرار داده بودند. ایشان پس از اینکه ماهیت لیبرالیستی نهضت آزادی نزد مردم روشن شد تصریح کردند که عدم آشنایی و اطلاع نهضت آزادی با اسلام و فقه اسلامی موجب گمراهی می‌شود، از این رو، برخورد با آنان را لازم دانسته و بر عدم رسمیت آن تأکید کردند. (گونه‌شناسی بحرانه‌ها، ۴۳)

شیوه امام در برخورد با دولت موقت تا افشا شدن ماهیت آن روشی براساس حمایت، تعقیب و مراقبت ضمن نظارت بر آن بود که تذکرات لازم را می‌دادند ولی مهمترین مسأله حرکت در راه اسلام اصیل بود که با احدی بر سر آن معامله نمی‌کردند. (همان، ۳۸)

امام^(ه) در برابر موج ترورهای شخصیت‌های برجسته نظام از جمله در دیدار با خانواده شهید مفتاح فرمودند:

این شهادت‌ها دنباله آن شهادت‌هایی است که در اسلام از اول تا حالا واقع شده است. مذهب تشیع مذهب شهادت است از اول با شهادت تحقق پیدا کرده است و با شهادت ادامه پیدا کرده. (صحیفه، ج ۱۱، ۳۸۸)

خطاب به آقای سید رضی شیرازی نیز تصریح کردند:





جوانان ما از شهادت در راه هدف که همان اسلام است استقبال می‌کنند. (صحیفه، ج ۹، ۸۶)

ایشان بر خدامحوری به عنوان روح کارها تأکید داشتند. ایشان به فرزندشان فریده مصطفوی - توصیه کردند:

حسابتان را با خدا صاف کنید و به مردم کاری نداشته باشید بعضی از مردم به آدم بد می‌گویند، از خدا بترسید و به بنده‌های او کار نداشته باشید». (رجایی، ۱۳۷۸، ۲۹۳)

ایشان با تأکید بر اصالت هدف و نیت، در جلسه شورای عالی دفاع در منزل حاج احمد و هنگام پخش موسیقی از صدا و سیما در جواب آقای موسوی اردبیلی که سؤال کردند چرا علی‌رغم حرمت موسیقی در تحریرالوسیله، الان حلال است؟ امام فرمودند:

موسیقی از سایر رسانه‌های کشورهای غیر مسلمان به دلیل نیت و هدف آنها فساد است و حرام ولی از صدا و سیمای ایران چون می‌خواهد فکرها را از خمودگی نجات دهد حلال است. (همان، ۲۹۹)

حضرت امام^(ع) در جنگ تحمیلی، برای مقابله با متجاوزان بعثی، مردم را برای دفاع از سرزمین و کیان اسلامی به عنوان یک تکلیف شرعی بسیج نموده و بیشترین موفقیت‌های جنگ ۸ ساله به وسیله مردمی به دست آمد که با اعتقاد به اسلام، به عنوان یک تکلیف شرعی و دینی در پاسخ به صدور جهاد توسط نائب امام زمان^(عج) به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل آمده بودند و حتی ارگانهای دولتی را نیز در پیام ۷ ماده‌ای خود، موظف شرعی کردند که از مخالفت پرهیزند تا دشمنان بهره‌برداری نکنند. (صحیفه، ۱۳، ۲۲۸)

ایشان با عنایت به اینکه این جنگ را جنگ بین دو کشور ندانستند و یک جنگ عقیدتی خواندند پیامی خطاب به ملت و ارتش عراق نیز صادر کرده و با آنان اتمام حجت کردند. (کمتر از یک ماه، هفت مرتبه ملت و ارتش عراق را به طور مستقیم مورد خطاب قرار دادند) (درویان، ۱۳۸۰، ۵۸)

ایشان برجسته‌ترین هدف اساسی جنگ را دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام ذکر کردند. (صحیفه، ج ۲۱، ۹۶) دین محوری و اسلام‌گرایی امام نه تنها در مرزهای ایران محدود نشده بود بلکه تمام بشریت و ابرقدرتها را نیز به اسلام دعوت کردند. ایشان در نامه تاریخی خود به گورباچف تصریح کردند:



از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیله راحتی و نجات همه ملت‌ها باشد. (روزها و رویدادها، ۳۳۷)

۷-۲-۲- تعهد به جامعه و مردم

امام از همان بدو ورود به ایران وقتی فهمیدند که کمیته استقبال تشکیل شده و می‌خواهند فرودگاه را فرش کنند و ایشان را با چرخبال به بهشت زهرا ببرند، فرمودند: «مگر می‌خواهند کوروش را وارد ایران کنند؛ من می‌خواهم در میان امتم باشم و همراه آنان بروم و لو پایمال شوم. (رجایی، ۱۱۰)

امام بر واقع گویی به مردم تأکید داشتند و بارها به مسؤولین، وزرا و ... لزوم گزارش دهی و گفتن واقعیات به مردم را جهت رفع ابهامات ضروری می‌دانستند. (همان، ۱۲۵) امام از انجام کارهایی که به ظاهر کوچک بود که مردم عادی و عوام انجام می‌دادند دریغ نمی‌کردند و هیچ وقت ادعا نمی‌کردند که این کار در شأن من نیست. از من کارهای بزرگتر از این برمی‌آید. ایشان حتی از بسته بندی آجیل برای رزمندگان دریغ نمی‌کردند. (همان)

امام در موضع گیری مهم در برابر غائله‌ای که حزب خلق مسلمان آذربایجان به راه انداخته بود در ۱۸ آذرماه ۱۳۵۸، اعلام کردند: «... ما نمی‌خواهیم که برادر کشی شود ... ما اگر یک روز به مردم بگوییم، خود مردم آذربایجان کار را اصلاح می‌کنند». (صحیفه، ۱۰، ۲۶۶)

ایشان در پاسخ به موج ترورهای اوایل انقلاب فرمودند: «بکشید ما را، ملت ما بیدارتر می‌شود. ما از مرگ نمی‌ترسیم». (صحیفه، ۷، ۱۸۲) در ۹ آذر ماه ۱۳۵۸ در مصاحبه با خبرنگار مجله تایم در خصوص تسخیر لانه جاسوسی فرمودند: «عدم شناخت صحیح شما از مردم ایران موجب اشتباهات بسیاری است. ملت ایران به مناسبت ظلم‌هایی که از آمریکا دیده است نسبت به آمریکا کینه عجیبی دارد». (صحیفه، ج ۱۱، ۱۶۱-۱۵۵) در مقابل محاصره اقتصادی کارتر و دولتش، ایشان فرمودند: «ما ملتی هستیم که به این گرسنگی خوردنها عادت کردیم». (همان، ۹-۳۸) و «این محاصره اقتصادی که خیلی از آن می‌ترسند، من یک هدیه‌ای می‌دانم برای کشور خودمان». (صحیفه، ۱۴، ۱۱۶-۱۱۴)



حضرت امام^(ع) همیشه با مردم مدارا می‌کردند. اگر مرتکب اشتباهاتی می‌شدند آنان را تذکر می‌دادند و در صدد جذب بودند: برخورد با بنی صدر، جبهه ملی، نهضت آزادی و ... مؤید این مدعاست. ایشان حتی به بنی صدر پس از عزل از مقام ریاست جمهوری گفتند: شما توبه کن و یک قدم طرف خدا برو و پشت به هوای نفسانی کن، خداوند می‌پذیرد تو را، آبروی تو را اعاده می‌کند. (همان، ۳-۴۹۲) ایشان پس از قطع رابطه آمریکا با ایران، آن را طلیعه پیروزی خواندند و به نفع ملت مظلوم در برابر ظالمان آمریکایی خواندند (صحیفه، ۱۲، ۴-۲۳۳) و از آن برای ایجاد یأس و ناامیدی ملت ایران جلوگیری و به نفع وحدت و انسجام ملی بهره بردند. (گونه شناسی بحرانه‌ها، ۹۷)

ایشان در مرحله اول جنگ، با تشکیل ارتش بیست میلیونی (مردمی)، اعتماد خویش به مردم را علنی کردند و مهمترین موضع راهبردی امام در جنگ مقاومت مردمی و همه جانبه بود و هنگام تشدید جنگ، خواستار حضور گسترده مردم شدند و در برابر جنگ شهرها، به دلیل تعهد به مردم مظلوم عراق، مقاومت کرده و از مقابله به مثل پرهیز کردند. (همان، ۷۰)

امام^(ع) در عرصه سیاست خارجی، نگاهی جهانی داشتند و اعتقاد به ارزشهای اسلامی را مبین نوعی احساس مسؤولیت نسبت به جامعه جهانی تلقی می‌کردند. تأکید بر نفی ظلم و ظلم‌پذیری، نفی سلطه و سلطه‌گری و نفی سکوت و برخورد انفعالی از مبانی فکری امام بوده و کراراً می‌فرمودند که: «انقلابان را به تمام دنیا صادر می‌کنیم» بر خلاف نظر لیبرالهای دولت موقت که با صراحت اعلام کردند ما قصد صادر کردن انقلابمان را نداریم. (باقری، ۱۳۷۹، ۱۸-۱۷)

از لحاظ ساده زیستی و دوری از تشریفات، هم خود مرد عمل بودند و هم کارگزاران را به شدت از اخلاق کاخ نشینی برحذر و زیستن همانند مردم عادی و متوسط را توصیه می‌کردند: «اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد در جامعه ما محقق کند مردم را از آن خوی کاخ نشینی به پایین بکشید». (صحیفه، ج ۱۷، ۳۷۵) و اخلاق کریمه برای مسؤولان را از جاهای دیگر بیشتر لازم می‌دانستند.



امام به شایسته سالاری در مناصب حکومتی تأکید داشتند. فرمان ۸ ماده‌ای خطاب به ستاد پیگیری تخلفات قضایی در ۱۵ دیماه ۱۳۶۱، و انحلال هیأت‌های گزینش کشور اعلام کردند که هیأت‌های جایگزین متشکل از افراد صالح، متعهد، عاقل، صاحب اخلاق کریمه، فاضل، متوجه به مسائل امور، بدور از تنگ نظری، تند خویی، مسامحه کاری، بدون ملاحظه روابط، به گزینش برای نیروهای مسلح وزارتخانه‌ها، ادارات، مؤسسات آموزشی و غیر آموزشی اقدام شود. (همان، ۲۰-۲۱۹)

۷-۲-۳- تعهد به نفس:

قاطعیت حضرت امام^(ع) چه در عرصه داخلی خطاب به مسؤولان و کارگزاران (صحیفه، ج ۹، ۲۸۵) برای حل مشکلات و چه به ابرقدرتها از جمله اسرائیل، امریکا (صحیفه، ه، ۲۵۱ و ۲۹۷) و به دولتها (صحیفه، ۱۲، ۳۳) و به کشورهای تحت ستم (همان، ۱۴۷) ناشی از اعتماد به نفس امام و ضرورت انقلاب درونی انسانها و کشاندن آن به عرصه مقابله با استعمارگران بود.

امام در پیامی به مناسبت شهادت سید محمد علی قاضی طباطبایی^(ع) فرمودند:

«با باید از کنار این وقایع، با تصمیم و عزم و خونسردی نگذریم و به راه خود که راه جهاد فی سبیل ... است ادامه دهیم. (صحیفه، ۱۸، ۲۳۰)

ایشان به تمامی مسؤولان برای دوری از حبّ نفس، به عنوان ریشه تمامی مشکلات، سخنان ایشان در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری بنی صدر (صحیفه، ج ۱۲، ۲-۱۴۱) و حتی پیام پس از عزل وی (صحیفه، ج ۱۴، ۴۸۲) نیز بر ضرورت دوری از هوای نفس تأکید کرده اند.

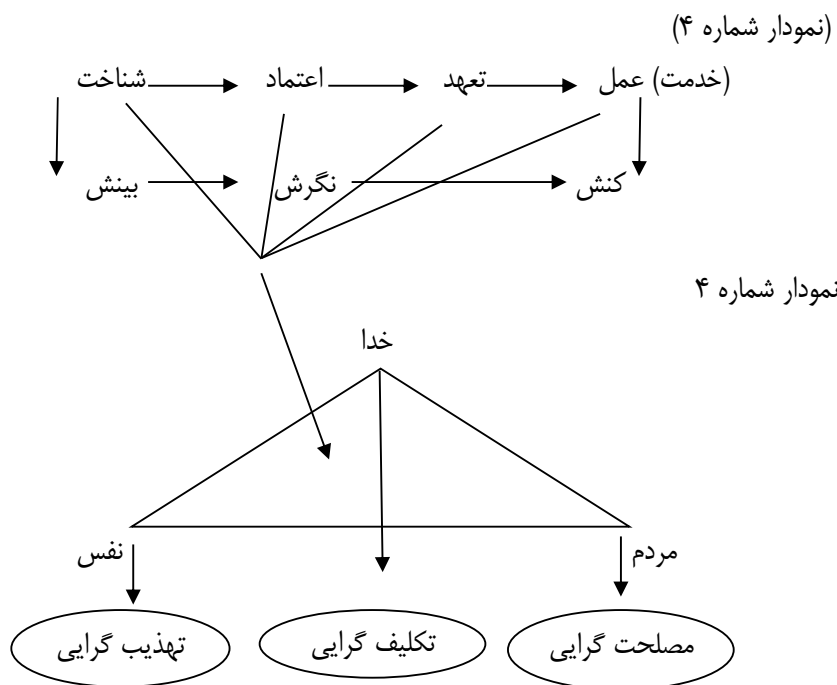
پس از محاصره اقتصادی، حضرت امام^(ع) با گرمی از آن استقبال کرده و تصریح می‌کنند: «اداره کنندگان کاخ سفید باید بدانند که دنیا عوض شده است ... گمان نکنند اداره کل جهان به دست آنهاست». (صحیفه، ۱۸، ۳۳۰)

نتیجه و جمع بندی:

امام شخصیت جامعی بود که تبلور اخلاق در اندیشه، عمل، گفتار و نوشتار ایشان و مدیریت سیاسی (اعم از مبارزه قبل از انقلاب و اداره آن پس از پیروزی مشهود است و

عملکرد مدیریتی ایشان بیانگر شناخت و اشراف بر علوم رفتاری و البته منبعث از تسلط ایشان بر علوم اسلامی است.

حضرت امام^(ع) بر اساس شناخت و معرفت بالایی که نسبت به سه رکن اسلام، مردم و نفس داشتند اعتماد خود را بر این سه حوزه بنا کرده و نسبت به آن احساس تعهد و پابندی فکری و عملی داشتند و تمامی سیاستها و تصمیمات ایشان در عرصه‌های مختلف مصروف خدمت به این سه حوزه گردید.



منابع
- قرآن کریم



الف- کتابها:

- آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ سوم، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی، ۱۳۷۶
- ابوالحمد، عبدالحمید، مبانی سیاست، چاپ سوم، تهران: توس، ۱۳۶۵.
- افتخاری، اصغر، انتظام ملی، جامعه شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۹
- باقری، سیامک، وحدت مواضع امام و رهبری، رفتار جناحها، تهران: اداره سیاسی سپاه، ۱۳۷۹.
- جمعی از نویسندگان، روزها و رویدادها، جلد سوم، تهران: زهد، ۱۳۷۷
- خمینی، روح ا...، ولایت فقیه، چاپ دهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹
-، کشف الاسرار، بی جا، دفتر نشر خلق، بی تا.
- خسروی، احمد علی، بررسی استراتژی امام در رهبری انقلاب اسلامی، قم: پیک جلال، ۱۳۷۹
- در جستجوی راه از کلام امام، دفتر هجدهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- درودیان، محمد، تأملی در جنگ ایران و عراق، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۷۹.
- راولز، جان، عدالت به مثابه انصاف، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳
- رجایی، غلامعلی، برداشتهایی از سیره امام خمینی، چاپ چهارم، تهران: عروج، ۱۳۷۸.
- رضائیان، علی، مبانی مدیریت رفتار سازمانی، چاپ پنجم، تهران: سمت، ۱۳۸۳
- سلطانی، مجتبی، خط سازش، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲
- سادات، محمد علی، اخلاق اسلامی، تهران: سمت، ۱۳۷۲
- شریعت، فرشاد، مبانی اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۴
- فلسفه سیاست، چاپ سوم، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.



- کاظمی، علی اصغر، اخلاق و سیاست: اندیشه سیاسی در عرصه عمل، تهران: قومس، ۱۳۷۶
- کلمات قصار، پندها و حکمتها، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴
- کوئینتین، اسکینر، ماکیاولی، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: طرح نو، ۱۳۷۳
- گونه شناسی بحرانها و راهبردهای مقابله با آن، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه سپاه، ۱۳۸۱
- ماکیاولی، نیکولو، شه‌ریار، ترجمه داریوش آشوری، تهران: مرکز، ۱۳۷۵
- مجموعه مقالات ششمین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی تهران: عروج، ۱۳۷۵
- هس مر، ال تی، اخلاق در مدیریت، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران: دفتر نشر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۷
- ب- مقالات
- احمدی طباطبایی، سید محمد رضا، مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه امیرالمؤمنین، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ش ۱۸ و ۱۹
- افتخاری، اصغر، مقام مصلحت در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی، دانش سیاسی، ش اول
- افتخاری، اصغر، شریعت مصلحت و حکومت، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، ش ۲۲.
- مولانا، حمید، امام علی و ابعاد عدالت اجتماعی، کتاب نقد، ش ۱۸.
- ج- اینترنت
- <http://www.imam Khomeini.com>
- سادات نقوی، سوده، گذری بر اندیشه‌های امام خمینی
- صدر، سید محمد، استراتژی امام لیبخند به مردم
- عیوضی، محمد رحیم، رهیافت تصمیم‌گیری در منظر امام خمینی با تأکید بر نظام بین الملل

د- نرم افزار صحیفه نور امام خمینی، جلد‌های ۱، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲،
۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۱

جایگاه اخلاق در مدیریت سیاسی امام خمینی (ره)

